

رئوس برنامه
حداقل

- * نابودی نظام سرمایه داری وابسته
 - * ایجاد نظام دموکراسی توده‌ای
 - * تأمین رفاه عمومی زحمتکشان
 - * پی ریزی نظام اقتصادی برپایه منافع کارگران و زحمتکشان
 - * تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک برای خلق
 - * اتخاذ سیاست خارجی مستقل و متکی بر منافع طبقه کارگر و خلفهای ایران
- وسراسر جهان
صفحه ۹

کاندیداهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر برای مجلس شورای ملی



رئیس نام عابدی
(سرخود)



رئیس صین احمدی روحانی
(تهران)



رئیس مهری حدرداده
(تهران)



رئیس مرتضی (حسین) آلابوش
(تهران)



رئیس علمرضا سیاسی آسبایی
(تهران)



رئیس محمدرحیم‌ظلالاری سور
(تبریز)



رئیس خلیل سیداحمدیان
(تبریز)



رئیس محمدحلیلی
(سبز)



رئیس شمسین نادری
(سندج)



رئیس مسعودپورکرم
(سندرانزلی)

دعوت به میتینگ

بدین وسیله به اطلاع کلیه هموطنان مبارزمی رسانیم، سازمان مادر آستانه انتخابات مجلس شورای ملی مسیکی ترتیب خواهد داد، که در آن دو تن از کاندیداهای تهران، رضا :

- ۱ - علمرضا سیاسی آشتیانی
- ۲ - حسین احمدی روحانی

خبرانی خواهند کرد.

مکان : دانشگاه صنعتی (شریف)

زمان : ساعت ۳ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹

نوطحه ارتجاع در کردستان در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی صفحه ۴
سازمان مجاهدین خلق در دام توهمات لیبرالی! صفحه ۱۰
مبارزه کارگران شرکت نفت - ایران شهر صفحه ۱۵
انتقاد از خود به سبک "سه جهانی" صفحه ۱۵
کارگران سارز قزقره زیبا شورای تحمیلی را نپندیرفتند صفحه ۱۵
گرامی باد خاطره رفیق شهید مرتضی خاموسی صفحه ۱۶
کارنامه ۱۷ سال مبارزه رفیق حسین احمدی روحانی صفحه ۵
دومین سال پرور قیام تبریز گرامی باد! صفحه ۲

کارگران، زحمتکشان، نیروهای انقلابی و مترقی به کاندیداهای ما رأی دهید!



۱- رفیق علیرضا سیاسی آشتیانی

رفیق در سال ۱۳۲۳ در آشتیان در خانواده‌ای متوسط متولدند. سبب کودکی ونوجوانی را در همانجا گذراند و درس ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه با جوساسی - مذهبی خانواده‌اش سر بحث به مسائل سیاسی رواج داد و از همان زمان بست به مبارزه. از خود شور و شوق فراوان نشان داد. در سالهای ۴۲-۳۹ که مبارزات بوده‌ها علیه امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاه و تدوین و ترویج تئوریک یافته بود، دورانی است که او با مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه بیشتر آشنا شده و به این مبارزات گشوده میشود. این مبارزات نو ده‌ای که در آن موقع عمدتاً حول شرکت در سخنرانی‌ها و محافل سیاسی مذهبی و شرکت در تظاهرات خیابانی و سیتیک‌ها دور میزد، وی را که در آن موقع سردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی سزاداشتهای مبارزه جویانه از مذهب روتدنا بتواند سببش مبارزاتی خود را هر چه بیشتر تعمیق بخشد. در همین دوره است که او به اختلافات فاحش طبقاتی جامعه و رنج و بدبختی میلیونونها توجه و در جستجوی بحث جامعه و تئوریک چیزی آسان و همینطور جهت‌دار گریه رژیم شاه - کار و غارتگرانه‌ای برده و این مسئله فکری ساروری در شکل گیری روحیه و طرز تفکر مبارزاتی و همدانستاری او بحای می گذارد. او در اوایل این دوره هدف اصلی زندگی خویش را با برپا داشتن و به مبارزه انقلابی - رژیم شاه بعنوان یک تبعیضات طبقاتی و مذهبی و ستموانی که امر مقدس فکری می‌کند. او به دلسنگاه فکری کند و به مبارزات آن. او فیصل از ورود به دانشگاه و در بدو آن فیصل از آنکه وجود دانشگاه فکری نماید. به مبارزات بر تئوری که در آن جریان دارد می‌اندیشد. شور و شوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را همانند بسیاری از هموطنان مبارزانه که در آننگاه و دانشجویان انقلابی را استگر شکست با بدسرمبارزات خلق می - دانستند. سبب این و امیدات و آرزو میگرد که سبب خود در این سترگوار گردید. رفیق در سال ۴۲ با چنین ایده‌ای در رشته معناری دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سترگوار دانشگاه همچنان که انتظار داشت امکان‌ناست سیاسی برای مبارزه به

دست آورد.

با قیام ۱۵ خرداد یکبار دیگر مبارزات پر خروش خلق سرگوب شد. امپریالیسم را دیگر چنگ و دندان نشان داد و رژیم وابسته شاه را که کمیت مطلق خویش را بار - ساخت. و چنگه پوستان شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت شکست و ناامیدی بر چهره توده‌ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعالاند در آن شرکت داشت هم‌اکنون بسیاری به ناگافی بودن مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابل هنوز به زاهدل کار ساز دیگری نمی‌رسد. دانشن تشکیلات و مبارزات مخفی و مسلح اولس چیزهایی بود که ذهن بسیاری از روشنفکران و جوانان انقلابی ما در آن زمان بخود منقول می‌شود و رفیق نیز از آن جمله بود. به همین جهت زمانی که یک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) بنا به هدف سرنگونی شهر آ میر رژیم شاه موجود آمده بود به او پیشنهاد همکاری و عضویت میداد. او کوبا کشنده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه با مته و با عشق و شور فراوان به این گروه می‌پیوست. مدت زیادی نمی‌گذرد که این گروه همانند بسیاری از گروههای آلمان بدلیل ضعف و نود تجربه سیاسی و نداشتن تفکر و اسلوب علمی مبارزه، به تئوریکس افتاده و تمام اعضای آن دستگیری شوند و او هم در آن سال ۴۲ دستگیر و در سزادگاه به دو سال زندان محکوم میگردد. زندان فرصت مناسبی برای آشنائی با مسائل سیاسی و مبارزاتی برای او فراهم می‌کند. رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ تراز گذشته برای مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد میشود. بلافاصله بعد از آزادی علی‌رغم اینکه مستقیم و غیر مستقیم از طرف ساواک تحت نظر قرار می‌گرفت. با استفاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری، به اتفاق دو نفر از همزمان سابقین، گروهی مذهبی بنام "حزب الله" را بی ریزی می‌نماید. این گروه بعد از سه دو سال ۵۰ به سازمان مهادین خلق ایران می‌پیوستد. و زندگی مخفی رفیق از همین زمان آغاز می‌شود.

در دوران سازمان مهادین خلق رفیق از جمله رزمندگان پر شور و فعال بود، از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلع سلاح ناموفق و سپس فرار از چنگ پلیس و دیگری اقدام انقلابی سر تیب سعید ظاهری افسر جناح پتکار رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مغینی انجام داد. این عملیات که در آن یکی از معروفترین اسرا حمایت کار رژیم شاه که دستش بخون صدها شهید هموطنان ما آغشته بود و نقش فعالی در سرگوب قیام ۱۵ خرداد داشت اقدامات انقلابی گردید، مورد استقبال وسیع توده‌های خلق ما قرار گرفت. رژیم بدلیل حساسیت و تفرنی که بخصوص بخاطر شرکت رفیق در این اقدام انقلابی نسبت به او داشت، خانواده‌اش را مورد آزار و اذیت فراوان قرار داد.

رفیق علی‌رغم در طی ۷ سال کار مخفی و زیرزمینی چندین بار از چنگ مزدوران ساواک و پلیس آریا مهربی فرار می‌نماید. او در طی دومسافرت به خارج در رابطه با مهوریت‌های سازمانی چهار

بار از مرز گذشته و در طی این مسافرت‌ها یکبار در مرز ایران توسط ژاندارمری با هویت جعلی دستگیر می‌شود که با طرح محمل‌های مناسب آزادی می‌شود. بار دیگر در افغانستان در رابطه با هویت جعلی در زمان داودخان دستگیر و بعدت یکماه در آنجا زندانی میشود. رفیق بعداً با طرح محمل مناسب از زندان آزاد و تحت نظر رسمی فرار میگیرد. و با استفاده از فرصت مناسبی فرار می‌نماید.

ایدئولوژی و تفکر سازمان مهادین خلق ایران که توسط بنیانگذاران اولیه آن تدوین شده بود، چیزی بود که از همان ابتدا رفیق با توجه به روحیه همدانستاری و مبارزاتی‌اش از یک طرف و داشتن طرز تفکر مذهبی از طرف دیگر به دنبال می‌گشت. از این جهت این سازمان در آن شرایط زمینه رشد حوسی از نظر سیاسی برای پیش‌مراهیم می‌کند. ولی تفکر و ایدئولوژی مهادین علی‌رغم تمامی کمزوری‌ها در سیستم فکری مذهبی هرگز نتوانست طو حركت‌آور گرفته و به بند کشد. و سرانجام رفیق با توجه به تمامی شناخت و تجاربی که در مبارزه چندین ساله خود علیه امپریالیسم و شاه‌خائن و علیه استعمار بدست آورده بود راه‌های واقعی قطع کارگس و رخصتکاران را در مارکسیسم لنینیسم یافت و به آن گروید.

رفیق در سال ۵۳ در رابطه با مسئولتهای تشکلاتی محفیه به خارج کشور رفت و در این سفر بار دیگر در مرز افغانستان دستگیر و به مدت یکماه زندانی گردید و سپس موفق شد پس از فرار از چنگ ما مورین دولت داودخان از اسن کشور محفیه خارج گردد. او در طی سالهای که در خارج کورسودار نزدیک درلسان و عمان شاهد مبارزات عادلانه طغیانی فلسطین و عمان بود. و حای حقیقی خود را در خارج کشور در کناره رفیقیت طلسم و دزدان‌سالی بلکه در رابطه با فعالیتهای تدارکاتی - سیاسی و تبلیغی سازمان در کناره این جنبشها و توده‌های انقلابی دانشجویان ایرانی می‌یافت.

در شهریور ماه ۵۶، همزمان با ارتعسری مبارزات بوده‌ها و مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان رفیق محفیه و او را مرز ترنگه وارد ایران کردد. و از این پس در هدهای و کمسرن مبارزه ایدئولوژیک "مبارزه با ستم و نظرات و افکار استبداد در درون سازمان" علیه مهربی سابق و احراقات آن و همچنین اشتقادات متنی جریکی (مبارزه مسلحانه جدا رتوده) اشتق قنال و شمیس کشنده‌ای مبارز کرد و سهم مهمی در تغییر و تحول سوس سازمان و ردودن آنار و عواقب احراقات گذشته به عهده داشت. در جریان بیشتر مبارزه علیه نظرات گذشته و همگامیکه بسیاری از عملکردهای نامحس گذشته‌ها "طرد گردید و رهبری سازمان شمره نلات بزرگی که رفیق از زمان ازنگال ونیم فصل در درون سخن منشعب شروع کرده بودند باسلام موجودت کرد. رفیق در کار دیگر رفیقیش بقا لیب مبارزاتی خود در درون سازمان بیکار ادا مهاد.

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عافیت جویان



۲- رفیق مهربی حیدرزاده

رفیق مهربی حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲ در تهران و در خانواده‌ای متوسط متولد شد. در دوران دبستان با مطالعه کتابهای سودمند و با تراز کرسی درجه‌بندی از اخبار مربوط به شکست نهایی سون در زندان و... دهی او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته زیست‌شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید اما مکان‌های مختلفی برای دنبال کردن مسائل سیاسی و ساختن بنیادها و احزاب و احزاب مختلف را از یک محفل مارکسیستی - لنینیستی آشناند و به تربیت توانمند با مطالعه کتابهای سیاسی - انقلابی و آشنائی با دردها و رنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه جدی علیه رژیم شاه و امپریالیزم پیدا نمود. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت نتوانست با بخش مشعب ارتش از زمان معاهدین حلقه‌های سازمان برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی علمی را رها کرد و همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عمومت پیدا کرد. در ابتدا او سبب کوفتگی در درون خانه‌ها می‌درگذاشت. رفیق شهید مسیوخته افتخاری فعالیت میکرد، سپس در بخش کارگری سازمان منقول فعالیت کردید، کرجه در آلمان بدلیل حاکمیت مبنی نادرست، رفیق از سال ۵۶ به همراه درون طبقه کارگر، مارده، زیادی نمی توانستند ادامه دهند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت‌های محوله را در این رابطه مبدیوم و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کمک می نمود در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال نریغزاده، شیرازی و پس از آنها در رفیق جمال درنگ جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

در رابطه با وظایف تشکیلاتی در شاخه کارگری رفیق مهربی حیدرزاده مدتی در کارخانه ترقه و ساوکارخانه کفش ملی کار کرد و بدین ترتیب امکان یافت که با دردها و رنجهای کارگران از نزدیک آشنا گردد و وظایف محوله را در میان این رنجبران به

پیش برد. همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیرمدتی کار کرد. این سه کارخانه از جمله موسساتی بودند که در آن سوما به داران جداگشتا استفاده را از نیروی کارزنان می نمایند و توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هرچه بیشتر با مسائل و دردها و رنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. و حقیقت ستم‌دگانه‌ای را که در حواصع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسهایی زیادی همراه دارد. و بر اساس همین درس - هاست که او امروز یکی از اعضای فعال سازمان در زمینه کارگری - تشکیلاتی در بین زنان میباشد. رفیق مهربی حیدرزاده در جریان مبارزه با ایدئولوژی کمونیستی درون سازمان و تمحیح مبنی سیاسی یکی از اعضای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار رشتوریک حدی از یک طرف و استفاده از تجربه کارگران در میان کارگران توانست در دردمندی چربکی و رسیدن به مبنی انقلابی - توده‌ای و اینکند با مبارزه مسلحانه عده‌ای جوان انقلابی و فعال را بلکه با جنگ و بیامام مسلحانه توده‌ای است که میسوان رژیم شاه را نابود ساخت، نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه ایدئولوژیک دروسی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه دیگری خود در راه آزادی تمامی طبقه‌های ایران ارتقاء پیدا کرد و با هم‌کاران و رفیقان و آرا دی طبقه کارگر را برپا نمود و با سرمایه داری



۳- رفیق مرتضی (حسین) آلا دیوش

سیاری از هموطنان ما با زندگی مبارزاتی اس پیکارجوی انقلابی آشنائی دارند. زندگی پیکار از مبارزه سرخسختانه و با رژیم جنایتکار شاه و بجاری که او را این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی جدید، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رنجبران زحمتکشان در آورده است.

رفیق مرتضی آلا دیوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۳۲ - ۳۵ و هم - زمان با نهضت ملی شدن نفت در خانه و در یک حوس سیاسی ضد سلطنتی حکمرا بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنا شد. در سالهای ۴۲ - ۴۹ که در دبیرستان علوی تهران درس می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده‌ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به بوجی شعرهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی ارفشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آنروز داشته بودند بی برد و مطالبات و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او هیچ وجه نمی توانست درس خواندن در جایی شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. و پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کادرهای فعال این سازمان به مبارزه خود ادامه داد. دو سال و نیم از فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائین سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در زندانهای رژیم شاه ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جسمی هر چه بیشتر راه‌های بنیادی مشکلات جامعه دست برداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم، این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرفت. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه ۴ تن از اعضای خانواده وی را به شدت رسانید (دو برادر و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۶/۵ سال زندان در اوایل سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل طبقه از قید امپریالیزم و حاکمیت آنها و رها شدی طبقه کارگر افتد استناد را ادامه داد.

تقیه از صفحه ۱۴
نوطه ارتجاع ...
چرا که او بفعل خودش به ۷۵ درصد "یعنی اکثریت" مردم ایران شکست خورد و "فاطمیتش" را با سرچشمه می گیرد!
بهر حال در آستانه این انتخابات نسبت به تکوین چنین نوطه‌هایی در مناطق کردستان و گنبد حداقل از جانب حاکمان جنگ افروزرزیم، هشدار می دهیم. خصوصاً حلقه کرد و طبقه ترکمن و نیروهای انقلابی و مترقی این مناطق، و طبیعتاً دارند کسه برهتباری خود نسبت به چنین نوطه‌های سفاکند و با هشیاری و تلاش خود حتی الامکان ارتکل کمسری چنین نوطه‌ای از جانب ارتجاع جلوگیری بعمل آورند. شما بسروهای انقلابی و مردم آگاه در سراسر ایران و طبقه کارگر و ستم‌دگانه‌ها و نوطه‌ها، حرکات و اقدامات تحریرکننده از سوی محافل و جناحهای معین قدرت حاکم، دست به یک کار آگاه - کرانه و افکار گرا و وسیع در میان توده‌های وسیع مردم سرنگند تا با رسوا کردن چهره ارتجاع و ضعیف انقلاب، و با درس بردن نمودگرات شما از چهره رئیس جمهور، اربشمرسدن چنین نوطه‌ها در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی جلوگیری نمایند

در راه تعمیق هرچه بیشتر مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان به کاندیداهای ما رأی دهید!

رفیق حسین احمدی روحانی چهره بارز جنبش انقلابی و کمونیستی ایران کاندیدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از تهران



رفیق حسین احمدی روحانی به سال ۱۳۲۰ در مشهد در یک خانواده روحانی متولد شد. تا سال ۱۳۴۰ تحصیلات خود را در دبیرستانهای فردوسی و ملکی مشهد و سپس در دانشکده کشاورزی کرج ادامه داد و دوره مهندسی بهداشت را در دانشکده فنی تهران سپری کرد. در دوره دبیرستان برای نامی کمک هزینه، تحصیلی کار میکرد و در دوره ورود به دانشگاه در فعالیتهای دانشجویی فعالانه شرکت داشت. در انجمن اسلامی دانشجویان و نیز در نهضت آزادی فعالیت می نمود. بعدها که سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس طرفداری از اصلاح طلبان نهضت آزادی و اتحاد خط مئی انقلابی بنیانگذاری شد، رفیق حسین روحانی از اولس اعضای این سازمان انقلابی و مبارز (پس از بنیانگذاران آن) بود. و بزودی بعنوان یکی از کارگران فعال سازمان مجاهدین شناخته شد.

در آبانماه ۴۸ برای تماس با شهید "محمود حمیری" به نامیده، "سازمان آزادیبخش فلسطین" در پاریس جهت مقدمات اعزام مجاهدین به پایگاههای انقلاب فلسطین به فرانسه رفت و در زمستان ۴۸ به مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد. در شهریورماه ۱۳۴۹ برای تحقیق و بررسی وضع ۶ تن از مجاهدین که در سر راه خود برای پیوستن به انقلاب فلسطین در شیخ نشین دبی زندانی شده بودند و حکومتی آزاد ساختن آنها را مأموریت یافته که به دبی بروند و دنبال بررسی ها و شناسائی های دقیقی که سوسپله، او و چندین نفر دیگر از مجاهدین در خارج کشور تحت رهسودهای سازمان انجام گرفت طرح رسیدن هواپیمای ایرانی اردنی به بغداد سپید شد و رفیق حسین روحانی همراه با مجاهدین رسول متکین نام و محمد همدانی سادات در شهریور ۱۸ آبانماه ۴۹ این طرح را سادت و موفقیت به انجام رساند.

رفیق که در اردن بعد از دورگیری با پلیس نا امنیتی عراق، مسئولیت تشکیلاتی مجاهدین را عهده دار بود، بحث فتنه و یکجهد را در دست و پدها که با واسطه الفتح اردن از آزادند و همزمان مسئولیت به پایگاههای فلسطین رسید، او برای ادا مفعالیت سازمانی و برای اسامی مأموریتی که داشت همراه با مجاهدین شهید احمد صمدیج را در کان و علی باکری در پاریس فعالیت نمود. پس از شهریور ۵۰ و شناسائی که سازمان مجاهدین وارد آمد همرا با چند تن دیگر از همزمانش به انجام مسئولیت های انقلابی خویش ادامه داد. تا سال ۵۴، رفیق روحانی مسئول تشکیلاتی مجاهدین خلق در خارج ار کشور بود و در بدوین کلیه استنارات سازمان مبارکت عمده را داشت. همچنین در زمینه آموزش

سیاسی و ایدئولوژیک مجاهدین و تا مین نهاد ز مندی- های نظامی، تبلیغاتی و تدارکاتی سازمان مجاهدین فعالانه شرکت داشت و با همکاران دیگر در پی کارهای انقلابی فلسطین آموزش دید و جنبشهای انقلابی منطقه را از نزدیک شناخت و در سر گرفت. او که خود زمانی یک فرد مذهبی کاملاً معتقد بود و در گروه ایدئولوژی سازمان مجاهدین نقش فعالی داشت و مقالات متعددی در شرح و تدوین ایدئولوژی مجاهدین و تفسیر آیات قرآن نوشته بود، سال ۵۴ مارکسیسم-لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی رها ننده، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پذیرفت.

رفیق روحانی در مرداد ۵۴ مخفیانه به ایران مراجعت کرد. دو سال (۵۴ و ۵۵) برای برقراری تماس سیاسی - تشکیلاتی با کارگران بعنوان یک کارگر در کارخانجات تبریز، زامیاد، سیتروش و ارج بکار پرداخت و با مسائل جنبش کارگری و روح این طبقه زحمتکش که دارای نقش تعیین کننده در جنبش انقلابی مین ما بوده و همت آشنا شد. از سال ۵۴ تا ۵۷ چند بار بطور مخفی برای انجام وظایف و مسئولیت های تشکیلاتی به خارج سفر کرد و دوبار در معرض خطر دستگیری جدی قرار گرفت که با برخورد انقلابی و هوشیارانه از جنگ دشمن فرار کرد.

رفیق روحانی طی دورانی که مستقیماً با طبقه کارگر، مسائل و جنبش آن تماس داشت در انجمنیات کارگری و جمعیتدی تجربیات جنبش کارگران فعالانه شرکت نمود. عملگردهای چریکی و مبارزه، مملحانه جدا رتوده و در مقابل، درک توده ای از مبارزه مملحانه برای او عملاً و در بیرون و زمره با مسائل کارگران، هر چه پیشروشن شد، او در مبارزه آید - شولوزیک درون سازمانی در زمینه خط مئی مبارزاتی و نیز در مبارزه با انحرافات چپ روانه رهبری بخش مستقیم نقش فعالی ایفا کرد.

رفیق حسین احمدی روحانی هم اکنون در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، علیه امپریالیسم و ارتجاع، علیه استعمارگران و در راه حقوق آرماسهای طبقه کارگر می زند.

کارنامه ۱۷ سال مبارزه رفیق حسین احمدی روحانی:

- ★ از اولین اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۲
- ★ عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۸
- ★ مشارکت در طرح و اجرای عملیات انقلابی هواپیمای ربائی اردنی به بغداد برای آزاد کردن ۶ نفر از مجاهدین آبان ۱۳۴۹
- ★ مسئول تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج ار کشور ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲
- ★ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم بعنوان تنها ایدئولوژی طبقه کارگر ۱۳۵۲
- ★ دو سال کارگری در کارخانه های تبریز، زامیاد، سیتروش و ارج و شرکت در مبارزات کارگری ۱۳۵۲ و ۱۳۵۵
- ★ ایفای نقش فعال در مبارزه با ایدئولوژیک درون بخش مستقیم از س. م. خ. ا. و طرفداری از آن ۱۳۵۶
- ★ عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سواستجابات در این مناطق تحت سوابقهای از عمل وجود "آرامی" در منطقه!
السه حساب ریش جمهوری برابر در حال در تکوین این نوظنه ها، سرگنا رست، اکثریتیم که او خود مستمماً در شکل گیری این درگیری ها دست داشته و ساد دارد. حداقل می توان گفت با حصول اخیر خود مدخل کرد و سوسروهای سیاسی مضطرب و ابرار ناظیب "ارطرد اکثریت ملت ایران!" در منطقه - حوشی با حواست خود مختاری خلق کرد و دیگر طبقه ها، خاد را برای منسجونی و نوظنه گیریهای این محافل و جناحهای جنگ! امروز برای عمل در آوردن نوظنه های ارجاعی و خدا اعلاهی خود ماف کرده است. هر - چنده خود حسابی صدر خدافل در دراز مدت خیال "کوشالی" دادن به طبقه های سواسته ایران و به خصوص خلق کرد در ادرسی بروراند، و پایائی ندارد که در حصرانی هاشن سیرانگاران را اعلام نماید.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



رفیق قاسم عابدینی
کاندیدای سازمان برای
مجلس شورای ملی
از بروجرد:

رفیق در سال ۱۳۲۸ در خانواده متوسطی در شهر سا... و در وجود مولود دوران ابتدائی و متوسطه را تا کلاس نهم دروسان در رانگا هنر گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به چران آمد. در سال تحصیلی ۲۸-۲۹ در رشته ریاضی دانشگاه علوم دانشگاه سیران بدرجه دیپلم و در سال اول سال تحصیلی ۲۳-۲۴ تحصیلات خود را با اخذ درجه لیسانس پایان رسانید.

رفیق با تحصیلی در رشته ریاضی در سالهای ۴۳-۴۲ تا مثلاً تعداد حساب و آنرا با حسابی مارکتی، مرکب در بحث مثلثاتی و کوهوردی در اکسپ های چند متبه آتارسد. مطلب نسبتها با سه و بعد ما ریگسیم... نسبتیم در سطح ریاضی و در سطح اول ابتدائی به سر و خورد و همچنین وجود امور کاران مزار، در آت مورس و به روش بهرسان و از طریق ارتباط گیری فعال و بزرگ با آنها مطابق و حرکات ریاضی سدرج سخت و سوی محمی در جهت آرمای و اهداف طبقه کارگر خود کرد... فعالیتهای سیاسی رفیق در بروجرد، عمدتاً مطابق کلاسکهای مارکسیسمی، سخت و آموزش حول اندیشه انقلابی طبقه کارگر و کوهوردی خلاصه میشد. در جریان همین فعالیتها برخی از رفقای گروه آرمای خلقی که در آن زمان هنوز شکل نگرفته بودند آشنا شدند. همزمان با ادامه تحصیلات در دانشگاه ما شرکت فعال در فعالیتهای صعبی داشتند و حرکات اعتراضی (تظلم کراسی اسیون در سال ۴۸ و ... و تجارت ریاضی برای مبارزه با دواخت، با درسهای سیاه حفلسان

و در شرایطی که طبقه کارگر و توده های زحمتکش مسا در زیر فشار استعمار روسم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مشقات زیادی را متحمل میشدند، در شرایطی که توده های میلیونی خلق و روشنفکران انقلابی امکان کمترین حرکت اعتراضی را نداشتند، در شرایطی که در آن و غارتگران داخلی و خارجی از میهن ما برای خود سستی ساخته و آنرا برای کارگر-ان و سایر حمتکشان به جهمی تبدیل نموده بودند آری در چنین شرایطی فعالیتهای صنعتی - سیاسی در دانشگاه و فعالیتهای پراکنده مبارزاتی نمی-توانستند با شکو و رما کننده درخواستهای انقلابی روشفکران باشد و در رفیق ما سیرا جمله این جوانان انقلابی بود.

رفیق در آغاز سال ۵۰ - ۴۹ در جهت پیوند با رشتی رحمتکشان و توده های کارگر و ریکس و فعالیت سیاسی حرفه اسیون دیگر، دانشگاه را رها نموده و همراه با سایر دانشجویان و همراهان خود دست به کار احداث یک شکل گروهی گردید. در اوائل مردادماه سال ۵۰ بدلیل ارتباط با یک محفل روشنفکرانی مورد شناسائی فرا گرفته و دستگیر شد. در خیما ساواک که از فعالیتها و روابط رفیق هیچگونه اطلاعی نداشت پس از اینکه ما معاومت رفیق در ریشتمکمه مواج شده و سواستند کوجکسری اطلاعی از روابط و فعالیتها و رفقای دیگرش بدست نیاوردند او را خود سه ماه بعد آزاد نمودند. رفیق در زندان با نشی مبارزه مسلحانه جوینگی آشنا شده و آنرا اسماون ساکن راه و سپاه خلق منی - انقلابی در مبارزه با دیکرانیک و صدامبریا لیستی خلقهای ایران منجمی داده و پس از آزادی از زندان مستطراً مادگی و ارتباط گیری با انقلابیون حرفه ای فعالیت مبارزاتی خود را شکل سیمه مخفی - نیمه علی ادا ممداد، هجوم و بیگردانی نسبی رژیم شاه و حملات دمستانه به سازمانهای مسلح ایجاد خو خندان یلبی، امراضات کسری رفیق را سسا سازمانهای مسلح سال ۵۲ تقویم انداخت و رفیق قاسم عابدینی در دهمه اس سال هنگامیکه به عنوان افسر وظیفه در یک دکان غرب آنا خدمت اجباری خود را میگذراند، آراسی گریخت و برای خدمت خلق سه همراه برخی از رفقای همروم خود به بخش منسب اوس، م. ج. ا. پیوست و فعالیت محمی - انقلابی خود را به طور حرفه ای ادا ممداد دوهما کنون نرسنوا ن بگی ار اعمای سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر به فعالیت انقلابی در جهت خلق آرمای طبقه کارگر توده های زحمتکش جامعه فعالیت مبارزاتی خود ادا ممداد و سواون کاندیدان نوری سماندگی مجلس شورا از جانب سازمان معرفی شده است.

پس از ورود رفیق به بخش مشعب اوس، م. ج. ا. رفیق در تنظیم نظامی و سیاسی جامعه کارگری به فعالیت پرداخت. هنگامیکه رفیق عضویم نظامی سازمان بود، طرح اعدام انقلابی به مستشار آمریکائی معدومین "روبرت کروون گارد"، "ویلیام کانرل" و "دونالد اسمیت"، که از مهمترین مستشاران نظامی امپریالیسم خوینوار آمریکا در نیروی هوائی ارتش صدهایی تا هشتا می بودند در دستور قرار گرفت. رفیق همراه تیم عملیاتی در روز ۵ شهریور ۵۵ در این عمل

موفقیت آمیز شرکت نمود. و بدین ترتیب ۳ تن دیگر از سردمداران و نمایندگان امپریالیسم آمریکا در ایران بدست جرزندان خلق معدوم شدند! دستگراه جهمی ساواک و کمیته به اصطلاح ضد انقلابی ار این پس بیگرد شبکه های سازمانی ما را بیش از پیش شدت داد. در طی این پیگردها، برخی از خانه های تنمی سازمان نوبرت. و نظامی رفقای سازمان مجبور به تبعییب خانه ها و انبازها شدند. در این زمان رفیق عابدینی یکی از فعالیتهای بود که در جریان کوشش برای تحدید سیاسی سازمان از لحاظ امنیتی نقش فعال و فداکارانه ای داشت. همچنین در سال ۵۵ گروهی که رفیق عابدینی نیز در آن فعالانه به انجام وظایف سازمانی مشغول بود، موفق شد بدینسان تهیه فشک و بارنخک و... در ساختن اولین مسلسل دست ساز که در سوع خود در ایران بی نظیر بود، نیز موفق یابد. برخی از این مهمات بعنوان دسترسج انقلابیون ایران در لسان تقدیم سازمان آزادی بخش فلسطین گردید و انقلابیون فلسطین از مشاهده این مهمات ووق و استعداد و بیگسری انقلابیون ایرانی در مبارزه علیه رژیم شاه غرق در شادی شدند. آری، انقلابیون ایرانی در اینها ی هعمان محمد زانهای برای تهیه و تدارک مهمات حکمی ارتضام دون و هنر و استعداد خود استفاده می نمودند در حالیکه مدعیان امروزی انقلاب! در خانه هایشان در آرمای حاضر به زندگی حبه با خود ادا ممدی دادند.

رفیق در سال ۵۶ در جریان مبارزه، درون سازمانی علیه نظرات نادرست فعالان شرکت داشت و در همس دوره بود که برای مسائل سیاسی - تکنیکالی با کارگران مدنی در کارخانه ها کار کرد. در طی این مدت رفیق در کارخانه های تکنوایی ایران، برما، پارس سال بعنوان یک کارگر مشغول کار شد. آنچه در اینجا و سار برفیق در این زمینه خود امکان سار ما ممدی سواین فراهم میگردد که آنرا رفیق می چربگی جدا کرده در در میان کارگران مشاهده کند، و به مشی بودای - انقلابی - یعنی مشی ای که معتقد است تنها با مسلح کردن توده ها و سوسله آنها و سایرری طبقه کارگری توان براراجاع و امیر - تا لسم بیروزشود و در آنرا تا سبوی استغفار ادا ممد داد، برسد و بدنگاهای خود را در این زمینه عمیق - سرماند. و هما نظور که کفیم رفیق پس از اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر فعالیت خود را در درون این سازمان ادا ممداد.

نیمه از صفحه ۱۳ خوش برناممه...

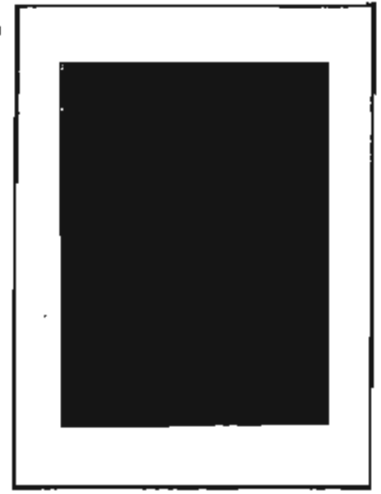
۳۳ - احادروابط سیاسی و اقتصادی با کلیه کشورها براساس تفاهم متقابل و عدم مداخله در امور داخلی بکدیگر.

۳۴ - ایجاد روابط و مناسبات کاملاً دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و انقلابی و جنبشهای آزادیبخش جهان.

۳۵ - پشتیبانی و حمایت کامل از احزاب و نیروهای کمونیستی و انقلابی سرتا سرجهان، مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی و حلفهای تحت سلطه و ستم امپریالیسم جهانی و رژیمهای ارتجاعی وابسته به آن و کشورهای ریزیونیست.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

شماه ای از زندگی مبارزاتی و انقلابی کاندیدهای ما، در تبریز



رفیق جلیل سید احمدیان

در سال ۱۳۲۳ در یک محله فقیرنشین تبریز در خانواده ای کم درآمد متولد شد. در سالهای جنبش ملی به رهبری دکتر مصدق تحت تاثیر گرایش سیاسی خانواده این در حمایت از این جنبش، با مسائل سیاسی تا حدی آشنا شد. پس از سقوط حکومت ملی مصدق و بدتر شدن اوضاع اقتصادی افکار فقیرو متوسط جامعه همراه با خانواده در تهران ساکن گردید. موضع ضد رژیم و مبارزاتی او تبدیل همیش شرایط سخت اقتصادی خانگی بر خانواده اش طی سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد همچنان حفظ و تقویت گردید.

رفیق در مبارزات ضد دولتی سالهای ۳۹ تا ۴۲ بطور فعال شرکت کرد. در این زمان بهضت آزادی ایران عمده، زیادی از جوانان انقلابی و پر شور را به راههای مردمیستی ما رفته می کشاند و رفیق نیز در خط کار همین جریان فعالیت داشت. او در بهار ۱۵ خرداد ۴۲ معالانه شرکت نمود. در سال ۴۲ وارد رشته راه و ساختمان دانشکده، مانی تبریز شد. و در راه بطه با فعالیت مبارزاتی، توانست بین محفل سیاسی که در آن فعالیت می نمود، با مجاهد شهید محمد حنیف، بزرگ در سال ۴۴-۴۳ ارتباط برقرار کند. از این پس پس توانست با راههای مردمیستی مبارزه، که نهضت آزادی مبلغ آن بود قطع رابطه نماید، و به انقلاب بعنوان تنها راه راهی خلق بماندیشد.

رفیق در سال ۱۳۴۶ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست. آموزش سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی او در این سازمان ادامه یافت. در تیرماه سال ۴۹ همراه با عده ای دیگر از همزمانش در سازمان مجاهدین برای گذراندن یک دوره، نظامی در راهیگاههای انقلاب فلسطین از کشور خارج گردید. طی اقامت در شیخ نشین دبی که همراه با یک سری از فعالیت های تدارکاتی و امنیتی بود با پنج نفر دیگر از همزمانش مورد سوء ظن پلیس دبی که بنسبت بوسیله کارشناسان ساواک هدایت می شد فرار گرفت و به زندان افتاد. از اوایل مرداد ۴۹ تا ۲۸ بهمن ماه سال در شرایط

۱۸ سال مبارزه رفیق جلیل سید احمدیان با رژیم خونخوار شاه:

- ★ شرکت در مبارزات سالهای ۴۰ و ۱۵ خرداد ۴۲
 - ★ طرفدار میسم نهضت آزادی ۱۳۴۴
 - ★ پیوستن به مجاهدین خلق ۱۳۴۶
 - ★ اعزام به پایگاههای انقلاب فلسطین، آموزش نظامی و انقلابی و تحمل زندان در دبی و بغداد ۵۰-۱۳۴۹
 - ★ بازگشت به ایران و دستگیری ۱۳۵۰
 - ★ ۷ سال مبارزه در زندانهای متعدد تهران، بوازجان، شیراز و سنندج و آیدیدگی در کوران مبارزه و نیل به مارکسیسم-لنینیسم
 - ★ عضوا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۵۷
- این است کارنامه انقلابی رفیقی که کاندیدای ما از تبریز می باشد.



رفیق محمد رنجبرطالاری پور

رفیق محمد رنجبرطالاری پور در سال ۱۳۲۱ در یک خانواده کارگری در شهر تبریز متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی را در محیطی آکنده از فقر و روح گذراند و آننگاه که سه رسته های اصلی بیدایش و سرافراز شدن او بود، با یکباره براندشولوزی طبقه کارگر مبارزه علیه رژیم پادشاه شاهنشاهی و ستم طبقاتی برخواست.

رفیق محمد در سال ۵۲ در حالیکه دوازده ساله از مبارزه او علیه رژیم مزدور شاه می گذشت در حبس بهشتی اعلامیه دستگیریه دو سال زندان محکوم شد.

رفیق پس از گذراندن دوران اسارت در اوایل سال ۵۴ از زندان آزاد گردید و همان سال به سختی متعصب از (س.م.خ) پیوست.

رفیق محمد در ادامه مبارزه خود برای آنکه به نظامی توانمند علیه رژیم پادشاه و امپریالیسم لیسم نگار گردد. در فوریه سال ۵۵ مدگی مخفی را سرگرفت و از آن پس مدتی برای سرورای ارتداد سیاسی - سکیلاسی با طبعه کارگردارخانه های درختان، ساکا، سیم هسول، بارس به کارگری پرداخت. کارگر رکنی برای اوجار و بسیاری در سواد گستر آشنا شد. از اردیبهشت و پیش او با درود روح کارگران، کسبه، طبقاتش را صقل داد و او را سرورای مبارزه علیه سرمایه داری و استبداد امپریالیسم معمم بر ساخت. حمیددی اروضت کارگران، انسانی با نظرات آنها، و عینی شدن نسبت به طرز ستمگری اکثریت کارگران همه و همه دستاوردهای بودند که رفیق علیرغم کمیت مانی جریکی توانست به آنها دست یابد.

رفیق محمد در جریان پیام مسلحانه بهمن ۵۷ همراه عده های میلیونی خلق و در کنار مردم مبارز تبریز در حمله به کلانتری ۴ واقع در حجابان حکم آباد تبریز مسلحانه شرکت کرد و امروز تبریز برای پیروزی آرمان طبقه کارگر و در راه راهی خلق از قید ستم و استعمار به پیکار خود ادامه می دهد. ■

سخت زندان این شیخ نشین گذراند. او دیگر هم - رزمان مجاهدش مقامت چشمگیری را از خود نشان دادند. رژیم شاه و حکومت ارجاعی و استعماری دبی که به فعالیت سیاسی آنان و علاقمندی آنها به جنبش انقلابی فلسطین متنبین شده بودند، ترحیم تحویل آنها به ایران را دادند. یک هواپیمای ایرانی قرار بود آنها را از دبی به ایران ببرد ولی فعالیت بود پیکار ما زمان که با دقت و هشاری تمام و رعایت مسائل امنیتی صورت گرفته بود. در راه محات این زندانی انقلابی سرانجام به تبریز رسید. به نفع از مجاهدین یکی مجاهد شهید رسول متکین قام و دیگری رفیق حسین احمدی روحانی و یکی دیگر از مجاهدین (محمد صادق دربندی) پس ارشاشی های زیاد و حمل اسلحه و مواد منفجره بداخل هواپیما، هواپیما را از مسیر خود منحرف کرده به سمت بغداد بردند.

رفیق جلیل سید احمدیان قریب ۲ ماه همراه با همزمانش در زندان بغداد گذراند و پس دسته جمعی با واسطت سازمان الفتح آزاد گردیدند و در پایگاههای انقلاب فلسطین در خارج عراق مستقر شدند. دوره آموزش نظامی ۲ ماهه ونیم طول کشید و پس از بقیه در صفحه ۱۵

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

یار وفادار زحمتگشان رفیق محمد خلیلی کاندیدای سازمان ما از سفز



یار دلیر زحمتگشان رفیق شهین (مهوش) قادری دوست کاندید سازمان ما از سندج

رفیق شهین قادری دوست عضو سازمان یگانگ در راه آزادی طبعاً کارگر در سال ۱۳۲۹ در شهر سفز بدینجا آمد و در همان دوران کودکی با فروسیمی که بر تنوده های ستم‌بیده حلق کرد، روانی شود، آشنا شد. در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۵۱ بعنوان سیاهی دانش در روستاهای اطراف ماکو بخدمت مشغول گردید. در اینجا و بنا سوده‌ها در آنجا و در کنار کارکنان دولتی سادهفاسان به افتخاری رئیس مدخلی شاه‌خاش برداشت. صمیمیت و انسانی که وی بدو نهاده‌ها را زمیکسرد، نزدی ساعت طلبان و در روستایان منطقه گردید. آشنائی نزدیک رفیق با نام و استقامتی که نوده‌های دهقان تحمل می‌کردند، باعث شد که او درک عمیق تری از مفهوم مبارزه طبقاتی بدست آورد. بعد از پایان ساعت دوره سیاهی در سال ۵۵ به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و به عنوان معلم روستا، در کنار در روستای نظام از توابع سفز، با در آموختن و ترویج انواع ایرانی‌ها عقاید و زبده‌های در کنار روستایان، مناهده زندگی برابر با روستاهای و ظلم و جوری که جوانین دولت مدخلی سادهخاش بر تنوده‌های دهقانی وارد می‌آوردند، کینه طبقاتی او را نسبت به دشمنان خلق عمیق تر کرد. زندگی با تنوده‌ها نه‌آرامی آموخت که باید سست به دشمنان خلق ما لامل ارتق و رکت بدو در راه‌های آن به مبارزه برخاست. او می‌آموخت که در این مبارزه‌ها با استوار است و بدون آگاهی و سنگین نوده‌ها نمی‌توان سخن از پیروزی بی‌ای آورد. به همین دلیل بر فعالیت افتخارگرا نه‌و بلایی خود، اجزود، اما زندگی با تنوده‌های دهقانی اگر چه بسیار آموزنده بود. لیکن رفیق بدرستی به این نتیجه رسیده بود که تنوده‌های دهقان به تنهایی نمی‌تواند در مبارزه خویش طبقه‌ای پیروز شود و برای اینکار لازم است با طبقه کارگر متحد شوند. اتحاد کارگران و دهقانان و رهبری انقلابی کارگران سر تنوده‌های نجیب‌ستم، تنها راه پیروزی بر نظام سرمایه داری و استبداد امپریالیسم و ارتجاع است. از این رو در سال ۵۴ و ۵۵ در تهران و تبریز کارگر در کارخانه ها و شرکت‌های ساختمانی پرداخت. مردی که سوار می‌دادند کمتر آن بود که کفایت زدگشت را بدهد، اما در عوض او به قدرت بی پایان ولایرالی که در اندیشه و باروان طبقه کارگر وجود دارد، بی‌برده بود. از این رو تصمیم گرفت ارتق اداری استعفا دهد و برای همیشه به کارگران بپیوندد.

رفیق شهین در سال ۵۴ وارد دانشگاه سراسر شد و در دوره تحصیله ادامه تحصیل برداشت. او در سراسر سراسر سواست آموخته‌های بحر و فرزندان آنها خدا شد. او را سروس کار معلمی را در روستای نیرا ملک (در استان سمنان) ادامه داد. وی همواره آموخته‌های آموخته‌ها و آنها سیرا آموزش می‌داد. ارتباط رفیق با زحمتگشان آدرمان سمنان، غنمش را به سوخته‌ها و سراسر را به رژیم سر سوزیده و مغرور پهلوی سراسر می‌کرد. رفیق شهین خدمت‌گرای دردناک‌های مرا ملک، سروس انحصاری، حسابی و ناموس سراسر سندرین برداشت. شور و حال آموزان روستائی سمنان و آدرمان سمنان رفیق بر سرور و رابطه صمیمانه‌اش را آنها ساد دارید. ساد دارید که چگونه در دوران حلقان و دیگسوری ساد پهلوی با آنها ارتباط نزدیک و در عین حال مخفیانه برقرار می‌کرد و در مقابل سوهی و اظهارهای بی‌سرمه مزد دوران رژیم در مدارس هر چه سراسر در بیستادگانی دانش‌آموزان خودگوش می‌سمود و هرگز نمی‌افشایند تا رسمی اینست.

رفیق به دانش‌آموزان خود با دمی داد که به‌عنوان غلبت‌پذیران سکارا است و برای جه در مواقعی هم که کار می‌کنند با رفیق سراسر می‌چیرد. حسته و در مانده است! او در روستایان خیابانی بارها و بارها توسط یکی از مزدوران رژیم در مدرسه مورد سدید قرار بعه در صفحه ۱۴



کارخانه سازمان داد، کارفرما و مردوزایش که او را عمری "خطرناک" تشخیص داده بودند در آذرماه ۵۷ از کارخانه اخراج کردند، اما رفیق ارتباط خود را با کارگران کارخانه همچنان حفظ کرده. بنا به خواسته‌های کارخانه‌ها می‌رفتند، در مسکنها و نظایات کارکنان - دانشجوئی شوکت میگرد و از هر فرصتی برای امتیازها به هیئت رزمی‌ها حاش و آشنا کردن زحمتگشان با حقوق با یمال شده‌شان، استناد به میسود، و دانش سراسر را که رفیق کارگرش برای او کردید با دیگر در کارخانه (سی. اف. گودریخ بکار برداشت و فعالیت علمی خود را آغاز کرد، خود او چون خاری در چشم کارفرما و مردوزایش میرفت. آنها از هیچ کوششی برای آزادی دست وی خودداری نمی‌کردند، اما جرات اخراج وی را نداشتند. رفیق در قیام ۲۲ خست و در کنار سایر پیرو شده‌ها در سخنرانی‌ها دگانه‌ها و کلاس نثری ها بیکار رسود.

پس از قیام کارفرما و مدیران و استبداد مردوزایش - نشان با استعفا از رژیم جمهوری اسلامی، لباس رهد و پارسانی به تن کردند و تا خمیس و حرکت سختی از کارگران سا آگاه که نسبت به ما هست رژیم توهیم دانستند. دست به توطئه و عوام فریبی زدند، و در تیر ماه ۵۸ رفیق را مجدداً به اتهام "تداغی بودن" از کارخانه اخراج کردند. به این ترتیب او مدتی بیکار ماند.

رفیق در جریان نه‌آرامی ارتجاع به کردستان، بسیاری خلق کردند تا وقت و در کنار آنها برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه‌شان به ما راهنمایی‌ها نظایات مردم و افتخاری علیه جنگ امروزان و با س‌های مرتجع منطقه پرداخت. تا اینکه روز ۲۶ مهر بسوی ساد با مداران دستگیر شدند. اما مردم سراسر که او را می‌شناختند، با برپائی مینتک و نظایات پر شور خواستار آزادی وی شدند. در نتیجه با مداران ساد کریر به آزادی او بودند. وی پس از ۶ روز اسبابت با ردیکریه آغوش خلق سا رکت.

رفیق احمد خلیلی با روستا و زحمتگشان اینست با هدف دفاع از مسافع طبقه کارگر و زحمتگشان و توضیح خواسته‌های عادلانه کلیه خلق و افشای شامی مرتجعین ولایرالی‌های خاش و همدستان آنسان در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت میکنند

رئوس برنامه حداقل

مقدمه

کارگران! زحمتکشان! حلقهای قهرمان ایران!
آنچه که در مقابل شما قرار دارد، رئوس برنامه حداقل سال زمان ماست. ما در این برنامه، هدفهای را که انقلاب توده‌ها در برداشت مورد اشاره قرار داده. این بمعنای آنست که حلقهای قهرمان ما می بایست بعد از قیام خونین بهمن ۵۷ دولتی را بر سرگرمی دیدند که این برنامه را قبول داشته و آنرا به اجرا در آورد. در حالیکه هم اکنون که یکسال از قیام بهمن می گذرد، کارگران، زحمتکشان و توده‌های مبارزمیهنان می بینند که نه تنها چنین برنامه‌ای بیباده نشده، بلکه از ابتدای چنین هدفی وجود نداشته است. مگر کارگران و مردم ما چه می خواستند؟ آنها می گفتند: بیش از ۵۰ سال تحت حکومت جبار پهلوی، شدیدترین ستمها و سخنیها را کشیدیم، و آنچه که نصیب ما می شد، گرسنگی بود و بیماری، بی خانمانی بود و بی سواد و هزاران دردی درمان دیگر. در مبارزه با رژیم ما در صف مقدم بودیم و این ما بودیم که اعتماد کردیم و نظا هرات کردیم، جریا دمزرگ بر شا هومرگ سزا مریکا کشیدیم، سرمای زمستان با چند سوراخه سی نفتی و گرسنگی کشیدیم، دست آخر هم با دست خالی گلوله‌ها را جان خریدیم، بیش از دهها ار شهید و مجروح دادیم و انقلاب را همچون مردمی جثمان حفظ کردیم و پیش بردیم. ولی حاصل این همه فداکاری و مبارزه چه شد؟ چه کسانی قدرت را بدست گرفتند؟ آنها چه نقشی در مبارزه مردم داشتند و در شرا پتی که مردم در میان خون و آتش بودند، آنها به چه کاری مشغول بودند؟ آنهاش که فارغ از درد و رنج و زحمت مردم و بددور از آنها چه در داخل وجه خارج از کشور زندگی می کردند، حال چگونه می توانند از درد و رنج سخن بگویند و خود را نماینده خواست آنها بدانند. مگر همین بازرگان نخست وزیر دولت به اصطلاح انقلابی نبود که در اوج مبارزات توده‌ای مردم، خواستار حفظ سلطنت بود؟ و مگر همین بازرگان نبود که بعد از جهت تحکیم روابط و مناسبات ایران با آمریکا کمک به سرمایه داران بزرگ، گوشش نمود؟ بنا بر این چگونه اینها می توانند نماینده، مناقع زحمتکشان باشند. او که تا همین امروز روابط صمیمانه خود را با رانسان آمریکا سخن می گوید، چگونه می تواند پیشینیان انقلاب و "حما می مستضعفین" باشد؟ و یا بهشتی و

دیگران که هیچگاه طرفدار مبارزه ولو محدود هم با رژیم شاه نبودند. آری، تمام عناصر و افرادی که در دولت موقت پیشین، و شورای انقلاب کنونی قدرت را در دست دارند، کمابیش مثل اینها هستند و مرفی با آنها ندارند. رهبران خرده بورژوازی هم با افتادن به دنبال بورژوازی و سازش با آنها و علیرغم وعده وعیدهای فراوان به مردم، در خدمت بورژوازی قرار گرفته و به مردم پشت کردند.

بنابراین بسیار طبیعی است که چنین دولت موقتی و چنین شورای انقلابی که با مستقیماً از نمایندگان سرمایه داران لیبرال و وابسته تشکیل شده و با ارگانی که در خدمت آنها قرار گرفته اند، نمی توانست و نمی تواند نماینده مردم و خواستهای آنان باشد.

خواستهای انقلابی توده‌ها و فتنی تا مین مشود که نمایندگان انقلابی آنها که کوچکترین سائتی با امپریالیستها و نظام ضد مردمی سرمایه داری وابسته نداشته باشند، در برابر انقلاب قرار گیرند، ما با رها گهنا بیم که فقط طبقه کارگر و حرات است که می تواند انقلاب دمکراتیک و فدا میرا لیستی را به پیروزی قطعی برساند و خواسته‌های توده‌های خلق را تا مین نمایاند. هر سروشی میرا زان و هر حزبی غیر از حزب طبقه کارگر که تماماً با انقلاب وابسته می کشاند و با بصورت سیم تند و فریبی استراحت می کند و ما تا مین خواستها و مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران، زحمتکشان و سایر فئات خلق جز از طریق دولت جمهوری دموکراتیک خلق که در مبارزه سرپوشه با زلفه امیز خلعهای قهرمان ایران رهبری طبقه کارگر با امپریالیسم سرمایه داری وابسته به آن، موجودی آید، امکان پذیر نیست. این دولت انقلابی را آنچه که نماینده واقعی سما می رحمت کثان و توده‌های خلق ستم دیده ماست، می توانیم پنچواستهای نه تنها می خواستها و حقوق دموکراتیک و فدا میرا لیستی خلق، در این مرحله را در سلاب پاسخ گوید، و راه را به بهترین شکلی برای تحقق انقلاب سوسیالیستی آماده کند.

ما در بهمن ما دنبال پیش خواستهای اساسی توده‌های قیام کننده را در برنامه حداقل خود را کشه نمودیم. اینک ما توجه به نفسی و تحولات یکساله اخیر، رئوس این خواستها را بصورت برنامه حداقل خود اعلام می داریم.

رئوس برنامه حداقل

نابودی نظام سرمایه داری وابسته

- ۱ - معادله و ملی کردن کلیه منابع و بوسا ت مالی، صنعتی، کثا ورزی، معدنی، بازرگانی و خدمات امپریالیستی و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و وابسته.
- ۲ - انشاء و القای کلیه قراردادهای امپریا لیستی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی.
- ۳ - اخراج کلیه مستشاران نظامی، فنی و

جاسوسی امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها.
۶ - دستگیری، محاکمه و مجازات کلیه افراد و وابستگان به رژیم گذشته و تمامی مرتجعین و حامیان امپریالیسم.

ایجاد نظام دمکراسی توده‌ای

- ۷ - شوراهای انقلابی خلق (شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و...) که در جریان مبارزات انقلابی توده‌ها، در درون کارخا سات، محلات، روستا ها و... با کرفته و ایجاد می شوند. پایه و اساس کمیت توده‌ای را تشکیل می دهند.
- ۸ - شورای مرکزی انقلابی خلق، مرکب از نمایندگان منتخب شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سایر فئات خلقی در سطح کشور، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده‌ای می باشد.
- ۹ - شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری (ده، بخش، شهر، شهرستان و استان)، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده‌ای در آنجا خواهد بود.
- ۱۰ - دولت جمهوری دموکراتیک خلق، توسط شورای مرکزی انقلابی خلق، تعیین و سرسظر اسس شوراهای طبقه کارگر، محرز را بر عهده خواهد داشت.
- ۱۱ - ایجاد ارتش مسلح خلق، مرکب از رزمندگان مسلح توده‌ای برای دفاع از دسا و رها و پیروزی‌های انقلاب و معامت در برابر نخبه و رات امپریالیستها و سرکوب کثله نیروهای ارتجاعی داخلی که سر علیه دولت انقلابی اندام میکنند.

پی ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان

- ۱۲ - طبقه کارگر به ریزی اقتصادی، دکتور و کنترل کلیه منابع و بوسا ت بزرگ مالی صنعتی، کثا ورزی، معدنی، بازرگانی و خدمات بر عهده و احسان دولت انقلابی خواهد بود. دولت انقلابی موظف است که سهم کثری بوسا لسی در اقتصاد را معظوری ریزی تا لوده؛ نظام سوسا لسی آسده کشور را عا ت نماید.
- ۱۳ - حمایت از سرمایه کارکنان کوچک در چهار رچوب سرمایه ریزی اقتصادی دولت انقلابی و جلوگیری از ورود محصولات خارجی که امکان بولسد آن در داخل وجود دارد.
- ۱۴ - اقدام جوری به سرسزاری بطار ب و کنترل از طرف شوراهای انقلابی کارگران بر تولید احسان و توزیع محصولات و سزارت بر بدوس ناسون کار انقلابی.
- ۱۵ - معادله و ارامی، ساعتها، سبها، سوا ب و چاههای آب متعلق به زمینداران و مالکین بزرگ و وا کداری آنها به شوراهای انقلابی دهقانان.
- ۱۶ - تعیین کمکیهای مالی و فنی به توره‌های انقلابی دهقانان و حزیب محصولات کثا ورزی ا سوراها با قیمت مناسب و جلوگیری از ورود کالاهای ماسد از خارج کشور.
- ۱۶/۱ - تشویق خرده مالکان به ایجاد وسبهای تولید و کمک‌های لازم به آنها.
- ۱۶/۲ - لغو تمامی بدهی‌های دهقانان بدولت. مالکین بزرگ و سرمایه داران.

آیت‌الله خمینی است و توده عوام از آن پشتیبانی می‌کند، دارای مشروعیت می‌باشد.

مگر نه اینکه هر تصمیم مهم دولتی درباره سرکوب مردم و انقلابیون (رگدستان، ترکمن صحرا) و نیز علیه آزادیهای دموکراتیک و حقوق مردم توسط "شورای انقلاب" صورت گرفته است؟ مگر نه اینکه اگر قرارداد های اسارت بار با جها نخوان افشا و الفا نشده مورد تائید و حمایت "شورای انقلاب" و دولت بوده است؟ مگر نه اینکه "شورای انقلاب" بار و مددگار لیبرال های رسوا بوده است؟ پس این ارگان ها دارای کدام مشروعیت است؟ اگر "شورای انقلاب" و دولت حمایت مردم نا آگاه را با خود دارد، این امر بهیچوجه دلیلی بر حقانیت و قانونیت آنها نمی باشد. "شورای انقلاب" جز فریب، تیرنگ و توطئه علیه انقلاب کار دیگری انجام نمی دهد. و به همین خاطر چنین ارگان هایی برای توده انقلابی بهیچوجه دارای مشروعیت نیستند.

در حقیقت مشروعیت کاذب بخشد به دولت و "شورای انقلاب" حمایت از بورژوازی و اقدامی کما ملا انحرافی و بفرمان انقلاب مردم می باشد. سازمان مجاهدین با این اقدام خود تنزل و نهم خود را نسبت به بورژوازی نشان میدهد. شاید کسی با شنیدن بگویند که این یک تاکتیک آگاهانه است ولی ما می نویسیم این امر عوام فریبی است و کتمان نمودن حقیقت از چشم مردم می باشد، پوشانیدن حقایق برای گرفتن امتیاز از بورژوازی است. از طرف دیگر تحلیل کما ملا انحرافی مجاهدین نشان میدهد که آنان بقدر ارشدهای پیشرفته چنین توده ای عقب هستند که می گویند توده ها "مرو برداری" تمام تمام خواهد شد. در پاسخ ما می گوئیم خلق کرد، خلق ترکمن و سایر توده های آگاه همین دهر زمانی است که در برابر حیات ها مبرور برداری شان به آخر رسیده است. آنان به این خاطر منارزه میکنند چون دیگر اعتمادی به "دولت"، "شورای انقلاب" و ... ندارند. توده های آگاه خود سلب شده و حتی مبارزه خویشی برای کسب حقوق حقه، خویش به پیش میبرند زیرا بورژوازی علیه آنهاست.

آیا مجلس راه کسب استقلال و آزادی است؟

حال که مجاهدین به "مشروعیت" دولت بورژوازی اعتقاد دارند، هدف خود را از شرکت در مجلس ترویج میدهند. آنان در تریبه مجاهد می نویسند: "اگرستواند سیرهای اخیل و انقلابی را در دور خارج کند. آینده ایران سیر دیگری خواهد داشت. این یک انتخابات معمولی نیست. انتخاب میان این کاسید و آن کاندید است. بلکه انتخابی است میان خامه و راه. خطای سرمایه داری و استعمار است. از یکطرف و راه به و راه حل صد استثنای توحیدی و انقلابی از طرف دیگر".

(شماره ۲۲، ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸، تاکید از ما است) ما بارها اردیبدگاه علمی ترویج داده ایم که مجلس در شرایطی که سرمایه داران بر سر کار هستند، در زمانی که دولت، ارتش و دستگاه های سرکوب دیگر از آن سرمایه داران است، مجلس تریبه تا به یکی دیگر از ابزارهای همین طبقه استثنای رگرمی باشد. سرمایه داران همیشه سعی میکنند مردم را فریب

کرده است. چنین سیاست راست روانه در قبال قدرت حاکم این انتظار را در نزد توده ها بوجود می آورد که اهداف انقلابی آنان توسط یک نیروی صد انقلابی و همبیکار می شوند تحقق یابند.

و بعد سازمان مجاهدین در مقابل بورژوازی و مانورهای او آنجا که دچار از خود با خستگی و عجز شده که می گویند ما علیه بنی صدر "چنین و چنان" نخواهیم کرد و این امکان را می گذارند که بنی صدر منظر "اراده خالق و خلق" گردیده و بنا بر این مطرح می نمایند "ما هیچکاری نمی توانیم بکنیم". ما از رهبری سازمان مجاهدین می پرسیم شما می که این چنین به بنی صدر اعتماد داشته و منتظر معجزات او هستید، چرا برای ریاست جمهوری به او رای داده اید؟ شما در برابر بورژوازی آنجا که دچار از خود بیگانگی و سوهم شده اید که کمرش می کشد و شما در پی آن هستید تا "چنین و چنان" نکنند و با در واقع در برابر با سید صدر دولت بورژوازی او دست از مبارزه بکنید، آیا این اطهار و عزو ن توانی رهبری در مقابل بورژوازی توهین بیک سازمان انقلابی و تحقیر توده های انقلابی این سازمان بشمار می آید؟ رهبری مجاهدین باید پاسخ گوید!

۲ نقطه نظر مجاهدین در قبال مجلس بورژوازی:

رجمتکشان تصویب شود. نمایندگان واقعی مردم بلسدگوهای مردم در مجلس خواهند شد و بدون هیچگونه تارش و تنزل امیری نیستند. مرتجعین و لیبرال های خاشن و رسوا را امتنا خواهند نمود.

بنا بر این دشمنان مردم مخالف ورود نمایندگان مردم می باشد. آنان توطئه ها و انکال تراشی های متعددی خواهند کرد تا مجلس در انحصار خودشان باقی بماند. این امر طبیعی است چون نیروهای لیبرال و ارتجاعی دشمن انقلاب مردم هستند. اینان میخواهند مردم در نا آگاهی باقی بمانند تا به حاکمیت تعمیلی و ارتجاعی خود ادامه دهند.

ایمان که علیه بنا تفع مردم هستند هیچگونه حقایقی ندارند و بدین خاطر می خواهند از طریق رور مردم را خاموش کنند و با از طریق دیگر مردم را فریب دهند. در این ارتباط ایمان می خواهند مجلس ابزاری در دست فقط خودشان باشد تا با درمغهای خود کارگران، دهقانان و سایر توده ها را گول بزنند.

آیا دولت و "شورای انقلاب" دارای مشروعیت میباشند؟

دومین نکته اینکه مشروعیت نداشتن یا قانویت و حقانیت نداشتن یک نیرو به انکال تراشی آن نیرو خلاصه نمی شود. از نظر هر نیروی انقلابی قانویت داشتن یک نیرو بستگی به ماهیت آن نیرو دارد، یعنی اگر آن نیرو انقلابی باشد و در خدمت مردم و انقلاب باشد قانویت و مشروعیت دارد، والا غیر اینها برای مجاهدین قبل از آنکه بخوانند نیروی مورد نظر خود را بر اساس یک نمود (انکال تراشی) قانویت کنند به ما هیت طبقه ای آنرا بر ملا سازند.

سومین نکته اینکه ما سوال می کنیم آیا "شورای انقلاب" و دولت که عملاً در دست لیبرالها، عناصروا بسته، قشریون جنگ افروزان انحصار طلبان است دارای مشروعیت و قانویت می باشد؟ جواب مجاهدین مثبت است، ولابد دلیلشان هم اینست که مثلاً چون "شورای انقلاب" مورد تائید

برای خود راه فراری باز نگذارد، ولی سیاست عمیقاً راست روانه و توهان نگیزا و کما ملا نمایان است. سازمان مجاهدین بدون توجه به ماهیت طبقه ای بورژوازی بنی صدر چنین الفا می کنند که "توطئه انقلابی و مردمی" می توان عمل کند و می توان استقلال و آزادی ایران را به ارمغان آورد. ممکن است سازمان مجاهدین ابراد بیکر دو بیکر که ما کما اسم: "اگر چنین شود، چنان می شود". ولی در پاسخ باید گفت ما هیت بورژوازی مشروط نیست، ما هیت بورژوازی یکی است. با این ماهیت اجازه سده که بنی صدر "مردا سلاسی" تا نود قاطعانه علیه امر با لیسیم مبارزه کند و با این ماهیت کما ملا فاد چنین جوهر انقلابی می باشد. از آنجا که ما هیت بورژوازی صد انقلابی است با صراحت تمام و روشنی کامل تا بد توده ها را نسبت به این ماهیت آگاه نمود و آنان را از سدهای بورژوازی خلاص نمود. باید از طریق ارشاد آگاهی طبقاتی طرفیب مبارزاتی توده ها را سکوفان نمود. سایر اینها سکه "اگرها" ردیف نمود، این امر بنا بر آنست که مجاهدین نسبت به ماهیت بورژوازی، خود را در نهم و دولتی بوده و "سراب" تدرب در کنار بورژوازی آنان را تیره خود

حال که مجاهدین حسن نظرات ما درستی در نال بورژوازی و سمانده آنان دارند، روش است که گرفتار انحرافات بس مهم دیگری تریب باشند. واضح است که سرمایه داران و عا سوان آمریکا و انحصار طلبان کدر هشت خاک که کوس می موجودند تمام کوس خود را بکار می برند تا نمایندگانی واقعی بوده محروم مردم یعنی کمونیستها و سایر انقلابیون از حمله سازمان مجاهدین خلق نتوانند به مجلس بیروند. چون آنان میدانند اگر کمونیستها را سلسون دیگر در حال مجلس راه پیدا کنند، منکلات بسیاری برای دولت سرمایه داران و امیریال نیستند موجود خواهد آمد. اگر نمایندگان واقعی مردم به مجلس بیروند سعی خواهند کرد تا تمام توطئه ها را افشا کنند. کوشش خواهند کرد تا موافقین ارتجاعی دولت علیه حقوق مردم را امتنا نمایند و بکنند. این توانس بموجب خود. سعی خواهند کرد تا انجا که امکان دارد برخی فواین رفاهی و مترقی بنفع

مجاهدین در تریبه مجاهدی نویسد: "... اگر سوا هند در راه مشارکت نیروهای انقلابی ستر از اس اشکال تراشی و ایجاد مانع کند. به نیت مشروعیت خود، بلکه سرورد ساری توده های محروم را سیر به سر آورده و در آینده سردیک گورکی ساسی و اختتامی خود خواهد شد".

(شماره ۲۲، ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸)

اولین نکته اینکه آنقدر مجاهدین در لفافه و با ابهام حرف میزنند که کمتر مردمی میتوان گیر آورد که طرف مورد انتقاد آنان مشخص روشن باشد. در اینجا آنجا نکه از فوای کلام مجاهدین بر می آید، منظور از نیروهای انکال تراش دولت، "شورای انقلاب" و "شاید هم" حزب جمهوری اسلامی و "میره می" باشند.

بقیه از صفحه ۹ رثوس بر نامه ...

تأمین رفاه عمومی زحمتکشان

- ۱۷ - ایجا دکا ردا شم و متاسب برای همه کارگران
- ۱۸ - جلوگیری از کار اطفال و کهنسالان
- ۱۹ - تا مین حداقل دستمزد متناسب با هزینه و سطح زندگی .
- ۲۰ - تأمین حقوق اوقات بیکاری، بیماری ، ارکار امتدادگی و بازسنسنگی .
- ۲۱ - برقراری ۴۰ ساعت کار و دورور تعطیل در هفته و یکماه مرخصی بالیا نه .
- ۲۲ - تأمین مسکن رایگان ، از طریق مصادره کلیه واحدهای بزرگ ساختمانی و اراضی شهری متعلق به سرمایه داران بزرگ و وابسته و کمک و سرمایه - کداری دولت انقلابی در این زمینه .
- ۲۳ - تأمین بهداشت و درمان رایگان
- ۲۴ - تأمین آموزش رایگان از سطح کودکان تا دانشگاه و اجباری بودن آموزش ناپایان دوره را همنامی .
- ۲۵ - اسکان عشایر و تأمین شرایط مسا عدکار (کشاورزی و دامداری) ، بهداشت و آموزش رایگان برای آنها .

تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک برای خلق

- ۲۶ - تضمین آزادی تشکیل و فعالیت احزاب ، جمعیت ها و سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی .
- ۲۷ - تضمین آزادی تشکیل و فعالیت سندیکا - ها ، اتحادیه ها و سایر سازمانهای صنفی و سیاسی مترقی و انقلابی .
- ۲۸ - تضمین آزادی تشکیل اجتماعات ، نظا - هرات ، راهبیمائی ، اعتصابات و تحمن برای نیرو - های خلقی .
- ۲۹ - تأمین آزادی عقیده ، مذهب ، بیان ، علم و مطبوعات مترقی و انقلابی و رفع هرگونه سانسور قومی و مذهبی .
- ۳۰ - تأمین سوابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی .
- ۳۱ - برابراختن هرگونه ستم ملی و شتابانی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش ، اتحاد و طلبانته و برادرانه خلقها از طریق برقراری خودمختساری خلقها در چارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک بد مفهوم واگذاری حق اداره کلیه امور منطقه - سه شورای مرکزی انقلابی خلقها ، بجز امور مربوط به برنامهریزی عمومی اقتصاد ، تجارت خارجی ، دفاع ملی و سیاست خارجی که بعهده دولت انقلابی مرکزی است .
- ۳۲ - تأمین حق رای همگانی مساوی ، مستقیم و مخفی در انتخابات نمایندگان شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری .

اتخاذ سیاست خارجی مستقل و متکی بر منافع طبقه کارگر و خلقهای ایران و سراسر جهان

بقیه در صفحه ۶

در برگیرنده افراد لیبرال مرتجع و نمایندگان خرده بورژوازی که عملا دنباله روشدند ، سود و قوا نیستی که تصویب کرد در خدمت انقلاب خلقهای ایران نبود . بنا بر این مجلس وسیله ای در دست طبقه کارگراست تا از یکطرف مردم را فریب بدهد و از طرف دیگر قوا نیستی ارتجاعی را بشفح صدا نقسلا ب تصویب نماید و روشن است که بورژوازی هر وقت هم خواست می تواند در مجلس راستند و تانک و توب را مستقیما علیه مردم بکار بگیرد .

دهند و آنان را متقا عدسا زندگه استشارگران افرادی "نیکوکار" ، "مردم دوست" و "قانون پرست" میباشند . و برای این هدف علاوه بر مطبوعات ، رادیو تلویزیون مجلس را هم در دست خود دارند . در زمان شاه خا گسین "مجلس شورای ملی" بریودا ز شما بندگان سرسپرده و فریبکار سرمایه داران وابسته و ملاکین مزدور ، قوا - نیستی که در آن تصویب میشدهمکی در خدمت امپریا - لیسوم سرمایه داری وابسته بود . در زمان جمهوری اسلامی "مجلس خبرگان" مجددا

راستروی مجاهدین در کجاست؟

عمل میکند . در زمانی که سرمایه داران بر سر کار هستند ، در زمانی که ارزش فد خلقی و فرما بدشان مزدور آمریکا می وجود دارند ، آیا در چنین زمانی می توان از طریق مجلس و کساکتیریت آرا (شازه اگر ممکن باشد) ، مسیر کنور را تغییر داد ، یعنی کنور را از وابستگی در آورد و به آن استقلال بخشید ؟ آیا بورژوازی براهی اجاز می دهد که میروه های مردمی از اولب مالکیت بکنند و را از قدرت کنار بزنند ؟ در شهری امپریا لیسهای آمریکا کسکی و نوکران شان بر سر آئنده "چه آوردند ؟ آیا این حرفها شبیه همان نغمه های شوم فرست - طلبان و روبریونیستهای خاش حزب توده نمی باشد ؟ این راه "راه گذار مسالمت آمیز" ، راه همان کسکی است که در فرهنگ ما رکیستی - لنینیستی به آنان روبریونیست و متردمی گویند . این راه ، با راه طرفداران انقلاب یعنی کمونیستهای واقعی و انقلاب - بیون دموکرات کمالا متفاد است . این راه حتی در شفا دما ست انقلابی خود سازمان مجاهدین خلق است . آری تا زمانی که ارتجاع در ایران ما حاکم است ، تا زمانی که امپریا لیسها در ایران نفوذ دارند ، تنها راه آزادی و استقلال واقعی انقلاب توده ها سب و نه مجلس سرمایه داران .

حال ببینیم درک راست روانه و فریبست - مجاهدین از مجلس چیست ؟ آنان می گویند این انتخابات "انتخابی است میان جامعه و راه حلهای سرمایه داری وابسته و ارتجاعی از یکطرف و جامعه و راه حل خداستتماری توحیدی و انقلابی از طرف دیگر" مفهوم حمله بالا چیست ؟ منظور آنان اینست که اگر نیروهای انقلابی به مجلس بروند "ایران مسیر دیگری" پیدا خواهند کرد ، زیرا جامعه به سمت "راه حلهای خداستتماری توحیدی و انقلابی" سوق پیدا میکند . یعنی جامعه ایران از سرمایه داران وابسته دور شده و به استقلال و آزادی می رسد ! آیا این سیاست جزیک سیاست کمالا سا زشکارانه و اصلاح طلبانه چیز دیگری می باشد ؟ آیا این سیاست با سیاست لیبرالها فرقی میکند ؟ لیبرالها و سا زشکاران هم می گویند "همه کارها" از طریق مجلس قابل حل می باشد و لازم نیست مناسبات کهنه و دستگاستم و استتماریا روش انقلابی نابود گردد بلکه با بدروش مسالمت آمیز دست از طریق مجلس معطلات راحل کرد . مسئله اساسی اینست که زمانی که نظام اقتصادی کنور در دایره سرمایه داری وابسته به امپریا لیسیم

نتیجه گیری ما چیست؟

دهد . آیا سازمان مجاهدین این مسئله را نمی داند و با می دادولی منافع سازمانی و امتیازات آنی حکم میکنند تا در برابر شروط بورژوازی سکوت نماید ؟ کدام بسک ؟

حال با توجه به چنین واقعیاتی ، نیروهای چپ از گاندیدهای مجاهدین با توجه به گرا نیسیات لیبرالی در مشی و سرمایه این سازمان ، می بایست حمایت مشروط بکنند . آنان باید نشان دهند که سرمایه حدا قبل شان و حرکت انقلابی شان از سرمایه و حرکت مجاهدین قانع تر بوده و درای مضمونی - بیگمیری باشد . آنان می بایست به مبارزه علیه اشرا فات سازمان مجاهدین بمنظور دور نمودن آنان از قطب لیبرالیسم ادامه داده و در جهت تحکیم سنگر دموکراتیسم و قطب نیروهای انقلابی با تمام قدرت بکوشند . و در همین حال نیروهای چپ راستی با بد بطور فعال از گاندیدهای چپ پشتیبانی و حمایت نماید و پیش از هر زمان دیگر همبستگی خود را نشان دهند . عدم برخوردی به چنین امر مهمی جز فریب زدن سرمایه داری و تقسیم انقلابی حامل دیکری نخواهد داشت .

در دوره اخیر حرکت سازمان مجاهدین خلق نشان میدهد که سیاست آنان نسبت به سیاست لیبرالیستی متعادل شده است . آرا شده درکی راست روانه و توحهم - انگیز نسبت به انتخابات ریاست جمهوری ، همکاری با لیبرالها یعنی نظیر "حاج سید جواد" ، در چارچوب "شورای معرفی گاندیدهای اعلامی و سرفیخواه" ، آرا شده نظری کمالا راست روانه و انحرافی در سرمایه مجلس و هدف شرکت در آن ... نمودهای روشنی از این تمایل لیبرالی است . مجاهدین در این انتخاب - بات از لیبرالها یعنی چون لاهیجی پشتیبانی و حمایت میکنند ولی از انقلابیون کمونیست که بیگمیری ترسیم مبارزی راه آزادی هستند حرفی به میان نمی آورند . این امر دلایل برجیست ؟ آیا دلیل برای این نیست که مجاهدین خود را نسبت به بورژوا - لیبرالها نزدیک تر می بینند تا انقلابیون کمونیست ؟ و یا به معنای دیگر این سیاست آیا بمعنای آن نسبت که رهبری سازمان مجاهدین تمایل بیشتری به بورژوازی نشان میدهد تا طبقه کارگر ؟ امروز بینی - صدر فریبکاری می کوشد تا با نزدیک کردن سازمان مجاهدین بخود و لایمان نیروهای انقلابی تفرقه اندازد و تا نیا کمونیستها را مورد حمله و سرکوب قرار

توطئه ارتجاع در کردستان در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی

عوامل ارتجاع و امپریالیسم در تلاشند تا با ایجاد
تذکیری خونین در مناطقی مانند کردستان و سیستان و بلوچستان
انتخابات در این مناطق مانع ورود نمایندگان
نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی شوند.

کنند. در همین زمان گویا ستونی با تجهیزات یک
سپید (پاسدار، خاشاک‌ها، مزدور، ارتش) وارد سیاحت
شده اند و قصد حمله به دیوان دره را که در سر راه (بقره-
سنندج قرار دارد) دارند. و این احتمال وجود دارد
که بمحض رسیدن ستون از کامیاران به سنندج، پادگان
سنندج حمله‌ای را آغاز کند.

این اخبار و حرکات نگران کننده توطئه‌گران است.
که بخصوص اعلامیه اخیر لشکر ۲۸ سنندج مبنی بر سید
اصطلاح آزار مردم و ایجاد مزاحمت برای ارتش توسط
عناصر مسلح، اسعادان را سرخسته ترمی کند، حاکی
از احتمال شکل گیری یک توطئه جویس و مدافعان انقلابی
در آستانه انتخابات است.

هیئت‌ها که با تصویب قانون رسوای دوم مرحله-
ای کردن انتخابات مانعی در برابر ورود نمایندگان
سیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی
ایجاد کرده است. لیکن او جویس می‌داند که در
مناطق مانند کردستان و سیستان، این قانون نیز
برای او ضری سواهد داشت. از همین روست که
مخالفان حاکمان مزدورین هیئت‌ها که در تلاشند تا از طریق
دیگرایین سد مانع را بوجود آورند، اتحاد حمران
همه جانبه در منطقه را شریک درگیری خونین و سیاسی
بشده در صفحه ۲

آن سبب افکنده است. حالتی که سوارکننده بوده و
ممنوانند را شادانه توطئه‌چینی‌ها و احاطه‌خلقی
ترکمن سد دفاع متقابل در برابر حرکت تعجب‌ناهی
ارتجاع بصورت حفظ دستاوردهای انقلابی خود، به
سمت گسترش یک درگیری همه‌جانبه و سراسری خونین
در منطقه شگفته‌شود.

اکنون در کردستان نیز چنین حالتی در حال شکل
گیری است و هرآن ممنواننده منطقه و بیابان‌های
منطقه را به اسفندگسار و دوردیگری اردرگیری
مسلحانه را به خلق کرده‌مایل نماید.

مطابق اخباری که از این مناطق رسیده است،
اس توطئه‌ها ارتجاع حاکم افروزرزم (یا بد
چهران، سران مزدور ارتش، سپاه پاسداران، جانشینان،
مسی را ده و مزدورانی صورت می‌گیرد. جناح‌هایی
که اگر چه بیوسه در صد دانی رهن به چهران و وجود
آوردن درگیری در منطقه بوده‌اند، لیکن اکنون به
ویژه در مورد انتخابات به اس حرکات خود شدت
بخشیده‌اند. مطابق اس اخبار در چند روز گذشته (و
هم‌اکنون نیز) وضع سنندج بحرانی بوده است.
لیکن سنندج هندارو آ ماده‌ها ش داده است. هلیکوپتر
های ارتش در فاصله بیابانی بر فراز شهر پرواز می‌

نار در یک کردستان آستان حوادث جویس است
ارتجاع اسفندگسار سوارکننده موعده انتخابات
را برای توطئه‌چینی و ایجاد حوادث سوار انتخابات
کردستان را بوجود آوردن یک بحران جویس در
منطقه، زبرنگ کردستان امپریال در انتخابات و
ترساندن نمایندگان واجعی خود به مجلس خلوکوری
سندز آورد.

در مورد ما در سیستان هم جداگانه هیئت‌ها که
بیمدسی ارتجاع منظره در آستانه انتخابات مجلس
حمران آثار یک که هدف ناخلاق و گوناگون آن احلال در امر
انتخابات در کردستان و خلوکوری اردور اجرائی
... غیر نمایندگان مسری به مجلس و هدف در آمدن
و سوار یک آن بدجک آوردن دسا و رده‌های
انتخابی خلق کرده‌اند. سوار ارتجاع بهرمانه‌ها ش
زیست اسفندگسار کرد و در هم‌گس سها‌ها و
سرورهای انقلابی اس شگفته‌شود.

در کوی نارنج دو باره در کردستان مکرر شده است
بگزار نارنج در مناطقی صورت مکرر شده و مسلح
سوار و سادات سیروها سمران را دی سمران
... کرد و در آمدن دسا و رده‌های سروری نمایندگان
را از این مردم سوار را دانی به مجلس حمران (در
نویس که انتخابات در شرایط مساعدی صورت می-
شود. اسفندگسار (یا اسفندگسار) بی‌وفایی
سند در شرایط کوی و بدتریک دسا و رده‌های
سروهای انقلابی و کمونس در میان بوده‌های اس
شگفته. در انتخابات کوی مجلس اس احتمال
که امر جوی و سلاتر در دسترس شده است.

انتخابات، اگر در کردستان در شرایط مساعد و
آرام صورت گیرد، بطوریکس مسوان کف که در اکثر
سیزهای اس منطقه، ساسندگان سروهای انقلابی و مسری
سرور خواهد شد. و حسب ارتجاع سردر سار همیجا
بر حمره مکرر در توطئه‌چینی‌ها شفت اسرور هیئت
حاکمه در کردستان سردر سار سمسای جس و حسب
و هر اس آس که در حال شکل گیری است.

حقی ارتجاع توطئه را در چهران کند ملاحظه
گردیم. منطقه ترکمن حمران و طس آن کند، سراز آن
مناطق معدودی است که احتمال سروری ساسندگان
سری و واجعی خلق ترکمن و حکم ساسندگان
واسه به ارتجاع و هیئت حاکمه سراز اس است.
توطئه‌ای که در اس منطقه شکل گرفت و منحصر به کسار
سرحما سندا در نادی امر دم سار در دشر کمسند
کردیم. در سب بدسی منظور و سار طس حاکم درگیری
سراسری وسیع و بحرانی کردن منطقه و بدسی ترتیب
احلال در امر انتخابات در اس آغاز گشت. لیکن
سراسری خلق ترکمن و درگیری و سها‌های میان
حما‌های متغای و هیئت حاکمه این توطئه را در اولین
کا مهابش حتی نمود. لیکن منطقه ترکمن حمران
دستخوش چهران است و یک حالت ناایدا ر موقت بر

کردن مبارزات خلقها و شناختن لزوم رهبری
پرولتاریا به آنها است که ریشه امپریالیسم و ارتجاع
و اسبه به آن ناسود خواهد شد. در طول مبارزات خلقی
ها اعلامیه و خبرهای مربوط به مبارزات مردم سرتیز
را در هر شرایطی به کردستان می‌سردوسه‌مین کویسه
برای مطلع کردن مردم سرتیز را در مبارزات قهرمانانه
خلق کرد، گوش می‌نمود. رفیق در بسیاری از سها-
هرات و راه‌پیمایی‌های خلق کرد در سنندج، بقره و
مها باید شرکت داشت.

وی بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی
نیز از فعالیت سارنا سها‌ها و در داسگاه در تاسیس
سشکلیات دانشجویان سار شرکت فعال داشت و
دانش آموزان و سها‌های زحمکش را در دستوانش با
نا تمام مانتد انقلاب و سار تکاری مرتجعین و
خیانت‌سها و همچنین حقاسیت رهبری پرولتاریا
آسار کرده است.

بعد از یورش ارتجاعی به کردستان مدتی را در
مها سادسیر بر دوسه فعالیت سیاسی خود ادامه داده و
آسگاه در مهر ماه ۵۸ به سنندج آمد تا سار دیکر پیوند
خود را با دوستان دانش‌آموز و سها‌های سشکلیه
خلق کرد و تجدید کند و همراه آنان با ساد و اینک برای
توضیح آرمانهای طبقه، کارگرو خواستهای عادلانه
خلقهای تحت ستم و کلیه زحمکش و اوقات مواضع
دشمنان خلق سنوان کانسیدای سارمان بیگار در
راه آزادی طبقه، کارگر در انتخابات مجلس شورای
ملی شرکت می‌کند.

شده در صفحه ۸
یا در لبر...

گرفت. دانش آموزان را در عبات او به سوال و جواب
می‌کنایند که معلم شما در کلاس چه می‌گوید؟ به سها-
سار می‌گوید؟ کتاب سار با سار می‌خواند و هر سار آن
سوال دیکر... هوشیاری و آموزش دانش‌آموزان که
در ارتکار معالسه رفیق و رفافت و صمیمیت موجود
سس آنها سس آمده بود. با عت سها‌ها عت اسرور ذل و
خود سروخته رژیم مزدور سها هیچگاه نتوانند کوچک-
سرن قدرگی برای دستگیری او تهیه نمایند.

رفیق علاوه سار کار معلمی در ارتباط سرتیک و
فعالیت با سها‌ها و دانش‌آموزان خود که اکثر آ
بدر نشان کارگرو ما در نشان زحمکش بودند. فرار
دانش و بهمین ترتیب ساریا رندگی کارگران آشنا
شد و مفهوم مبارزه، طبقه‌ای را بیشتر در یافت. وی
سار دیرش ایدئولوژی طبقه کارگرشان داد که به
درک عمیق تری از مبارزه دست یافته است.

اودردا سها سیر در اکثر مبارزات دانشجویان
سر علیه رژیم سغور بهلوی معالسه شرکت میکرد. در
اوج گیری مبارزات بوده‌ها و گشاندن مبارزات
دانشجویان میان سها‌ها با آنان همراه بود. در
دوران سها حکومت نظامی در سرتیز مهابا دیکر رفقای
انقلابی خود در محلات کارگرنش اطراف شهر دست
به تظارات می‌زد و با سها و سها از سرتیز رگبار و گلوله
- های دزخیان رژیم سغور بهلوی جان سالم بدر برد.
او با اعتقاد به اینکه سها با یکپارچه و سراسری



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

چشمش گارگری



کارگران مبارز قرقه زبیا شورای تحمیلی را نپذیرفتند

تهران

پس از انحلال شورای مدکارگری کارخانه قرقه زبیا در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ کارگران شورای موقت خود را تشکیل می دهند، اما هنوز شورای مذکور کار خود را شروع نکرده با توطئه یگانه (رئیس مدکارگر کمینه دیو) و دارودسته شورای قبلی از هم میبایند و نمایندگان شورافل از وروده کارخانه، معادل در ورودی آن پس از مغروب شدن توسط پاسداران سرانجام دستگیر و به کمیته منتقل میشوند.

روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۱۴ بگانه جهت حصر ای روغن کردن وضع شورابه کارخانه می آید و پس از مغذای زبیدی تعمیرات از خود معارضت (معاون استان مدت ۲۴ سال افتخار دست سوسی شاه شاه را پسند کشته اند! طرح انتخاب شورای جدید را بیان می کند. مطابق طرح ایشان حداقل سن برای انتخاب نوانده ۲۳ سال و حداقل سابقه کار یکسال تعیین میشود که بر اساس آن حدود ۵۰ نفر از کارگران باقی ماندند از بین خود ساسده ای داشته اند، تازه کاندیداها باید مورد تأیید بگانه و دارودسته ایشان باشند و گرنه انتخابات انجام نگیرد.

روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۲۰ انتخابات در مغانی با حضور پاسداران مسلح، اعضای شورای قبلی و ... برگزار میشود. کارگران با چگونگی شرکت خود در این انتخاب آگاهی و عدم رغایت خود را از شورای تحمیلی بمانش میگذاشتند. مدافعان کارگران انتخابات را بگانه تحمیلی نخواستند و وعده ای رای نمیدادند و با خط خورده صندوق می روند. سرک سه سده و پنجاه نفر نیز به کارگانه غیورانه کاندیداها را اعلام ندهای می دهد. سسجه انتخابات بقدری رسوا بود که هنوز نتیجه آن اعلام نشده است.

مبارزه کارگران شرکت نفت - ایران شهر

روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۱۳ کارگران شرکت نفت ایران شهر در جهت تحقق خواسته های خود دست به اعتصاب میزنند. اعتصاب کارگران شرکت نفت بتدریج جهه شهر را عرص میکند و تعداد کثیری از اتوموبیل های حمل و نقل و ... بطلت می شود متوقف میشوند. بعد از ظهر همان روز مقامات شهری نزد کارگران رفه و برای بررسی خواسته های آنان ۵ روز مهلت می خواهند. کارگران با توجه به نیاز مردم و سرمایه زمان با مهلت فوق موافقت می کنند. لازم است گفته شود که حقوق کارگران هنوز بعد از ۱۶ ماهه می بایست ۵۶۷ ریال باشد در سطح روزانه ۳۰۰ ریال نگهداشته شده و شرکت نفت تا کمون از پرداخت کامل حقوق آنان سر باز زده است. خواسته های کارگران شرکت نفت عبارتند از:

- ۱ - پرداخت کامل حقوق کارگران.
 - ۲ - پرداخت ماه با التماس از مهرماه ۵۷ تا این تاریخ یعنی سه ماه ۵۸.
 - ۳ - اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته با توجه به بخشنامه وزیر نفت در مورد کارگران نفت.
 - ۴ - ایجاد بهداشت در محیط کار.
- انتقال از نبردیلوج شماره ۱۳

انتقاد از خود به سبک "سه جهانی"

در یکی از شرکت های خصوصی پروژه ای (بدلایلیسی از ذکر مشخصات این شرکت خودداری می شود) که کارفرمایش یکی از مدافعان ترسد طلعی "سه جهان" و از طرفداران حزب به اصطلاح "رحمان" میباشند کارگران را به پناه نبودن کار در فصل زمستان و ... اخراج می کنند. کارگران حاضران کارفرمای ضدکارگر شرکت را به کروگان گرفته و به محاکمه می کنند. استدکارگری می برد: آقای ... چرا شما که کار نمی کنید شما باید از رشد اولی ما که همیشه زحمت کشیده ایم همچنان در رفروید بختی زندگی می کنم؟ کارفرمای سرمایه می گوید: "من خودم اول کارگر بودم و حالا هم طرفدار طبقه کارگرم!" کارگری می برد: آقای ... شما از اول طرفدار طبقه کارگر بودید و با این ااینکه سرمایه داران ضد طرفدار کارگران شده اند؟ کارفرمای می گوید: من از اول طرفدار طبقه کارگر بودم، الان هم هستم، ولی واقعا از اینکه سرمایه داران شده ام، استفاده من وارد هست!

تقیه از صفحه ۲

دو صین ...

سرما به داری و ایستنه تا انجام میشود. حرکت رحمد - گمان تریز در واقع خط بطانی بود که سرمایه حریب و خیالهای لیبیرالها و سازنگاران کسیده می شد: لیبیرالهای که شروع اعتلای استلابی سندهای امراض آمریکا در آسیا در محدوده حفظ تا سوس اساسی و نظامنا هسنای سیمی دادند و اما به سبب سیری انقلاب آنها را بید هراسان ساخته بود. فیما مبریر بار دیگر نشان داد که تنها توده های ستمدیده و رحمتگان هستند که تا دردمبارزه و انقلاب را از غرض حرف به میدان عمل درآوردند و قاطعاً با تمام نیرو علیه سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری و ایستنه سستبرند.

حاطره فیما مبرشکوه و افتخار آفرین مردم قهرمان تبریز همواره در یادمانی است!

برنوان با دمبارات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران!

تقیه از صفحه ۷

رفیق جلیل ...

دستگیری عده ای از اعضا و رهبران سازمان مجاهدین در شهریور ۱۳۵۰ مخفیانه از طریق مرز ترکیه به ایران بازگشت. مبارزه و در آن شرایط دشوار در کنار مجاهدین ادامه یافت و در تاریخ ۳۰ مهر ماه همان سال همراه با مجاهدین شهید حنیف نژاد رسول متکین قام و چند تن دیگر طی سورتی که به محل اقامت آنان شد، دستگیر گردید.

تا اردیبهشت ۵۰ در زندان اوین بود و وقتی به حبس بد معکوم شد و را به زندان قزل قلعه و قمر منتقل کردند و در بهما ۵۱ بطلت درگیری با پلیس زندان به سرازجان تبعید شد. در بهمن ۵۱ همراه با دیگر زندانیان سیاسی به شیراز انتقال یافت. در درگیری روز ۲۶ فروردین سال ۵۲ در زندان، پلیس او را بعنوان یکی از محرکین این حادثه قلمداد نموده همراه با ۱۳ تن از مبارزین دیگر بمدت ۱۵ روز در بدترین شرایط ممکنه (دسته از پشت بسته، چشمها بسته و باها در زنجیر) قرار گرفت. و پس از آن ۶ ماه را

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

